



فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۳.....	سرپرست
۱۴.....	فقط ایمانش کامل باشد
۱۷.....	بیشتر از معنای دوست داشتن
۱۸.....	دوست داشتنی
۱۹.....	رسالت مادری
۲۲.....	من یک سپاهی هستم
۲۵.....	فرقی ندارد
۲۶.....	مرتب و تمیز به خانه وارد می شد
۲۸.....	مادرش را کول می کردا!
۲۹.....	در کارهای خانه، کمک می کرد
۳۰	رفتار و اخلاق پدری
۳۲.....	مواظبت از همسر
۳۴.....	دور خانواده اش می گشت
۳۶.....	ناراحتی های کار را به خانه نمی آورد
۳۷.....	محبت به خانواده هی همسر
۳۹.....	دست خالی نمی آمد
۴۰	من هم ظرفها را می شویم
۴۳	خودتان را به زحمت نیندازید

رسیدگی به امور فرزند	۴۴
می برم با زن و بچه‌ام می خورم	۴۵
این دستور خداست	۴۷
مادرش را کول می کرد	۴۸
به بچه‌هایش احترام زیادی می گذاشت	۴۹
ثواب رسیدگی به پدر و مادر	۵۰
اسلام از همه‌ی اینها واجب تر است	۵۱
چرا چند نوع غذا درست کرده‌ای؟	۵۲
خودش را مرتب می کرد و خانه می رفت	۵۳
ساده‌ترین مراسم	۵۴
گفت: قد راست کن	۵۶
شرمنده‌ی تو هستم	۵۸
در پوست خود نمی گنجید	۶۱
ظرف‌ها را شست و اتاق‌ها را جارو کرد	۶۳
هر چه کمبود داری بگو	۶۵
از خوشحالی، خانه را روی سرش می گذاشت	۶۷
جوانمردی	۷۰
به مادرم قول داده‌ام	۷۲
ظرف‌ها و لباس‌ها را می شست!	۷۴
بازی و خنده‌ی شب آخر	۷۷
مراعات حال همسایگان	۷۹
احترام فوق العاده به مادر	۸۰
دنبال تسبیح می گردم!	۸۱
نامگذاری فرزند	۸۲
آینده‌نگری	۸۳
نديده خواستگاري؟	۸۴

دوست دارید با حضرت زینب (س) همدردی کنید؟	۸۹
همهی سختی‌ها را تو تحمل می‌کنی	۹۳
دخترم را خیلی دوست دارم	۹۵
شروع زندگی با دو چمدان!	۹۸
عید اوّل ازدواج	۱۰۰
شما تعیین کنندهی مقدورات هستی!	۱۰۴
رعایت احترام پدر	۱۰۷
دلتنگ دخترش بود	۱۰۹
بچه‌ها را حمام می‌برد و لباسشان را می‌شست	۱۱۰
جدّی جدّی شرمنده‌ام!	۱۱۲
حالا نوبت من است	۱۱۶
خودش هم به صورتش زردچوبه مالید!	۱۱۷
منابع	۱۱۹



مقدمه

خانواده، اگر چه کوچکترین واحد جامعه است، لیکن اثرگذاری آن در جامعه قابل مقایسه با هیچ مؤثر دیگری نیست. خانواده، یعنی ریشه و اساس جامعه. خانواده یعنی محل آرامش و تربیت. خانواده یعنی کانون محبت و مودّت. خانواده یعنی جایگاه همفکری و هماهنگی. خانواده یعنی معبّر انتقال سنت‌ها و ارزش‌ها. خانواده یعنی بستر انسان‌سازی و رشد.

و من آیاته أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مُوَدَّةً وَرَحْمَةً^(۱).

خداؤند، تشکیل خانواده را از نشانه‌های مهم خود می‌داند. زنی که از جنس مرد است، با هم زندگی مشترکی را تشکیل می‌دهند و حقوقی مابین آنان حکم‌فرما می‌شود. این خانه محل آرامش، مودّت و رحمت است بین اهالی آن، که زن و شوهر

به همراه فرزندان، اهالی یک خانواده هستند. نیکی به پدر و مادر، خوش بیانی و رفتار خوش با آنان، مهربانی و همکاری با همسر در امور خانه، رسیدگی به درس و دیانت فرزندان، ادای حقوق والدین و صلحی رحم با خویشاوندان، از جمله دستوراتی است که برای این حلقه‌ی سرنوشت‌ساز و اثرگذار، صادر شده است تا کانون مهر و محبت و عاطفه و رشد و کمال، محقق شود.

رزمندگان، اگر چه گروه زیادی از آنان، در سنین نوجوانی و جوانی، قبل از ازدواج، به حضور حق تعالی بار یافتند، اما آن تعداد که توفیق عمل به سنت رسول خدا را یافتند، با همه‌ی وجود در خدمت خانواده بودند و احساس محبت و صفا و همیاری با همسر و فرزندان در وجودشان بود. اگر فرصت می‌یافتد و تکلیف را در مرخصی و آمدن به خانواده می‌دیدند، درنگ نمی‌کردند، می‌آمدند و به همسرشان خسته‌نشاید می‌گفتند؛ در کارهای خانه، یاریشان می‌کردند؛ لبخند بر لبانشان و محبت در دلشان موج می‌زد؛ با بچه‌هایشان بازی می‌کردند؛ به درس و مشقشان می‌رسیدند؛ به بستگان سری می‌زدند؛ پدر و مادرشان، خواهران و برادرانشان را احترام می‌کردند و به امورشان رسیدگی می‌نمودند. اگر خانواده

تشکیل نداده بودند، هم کار می‌کردند و در تأمین هزینه‌های زندگی یار پدر و مادرشان بودند و هم درس می‌خواندند و هم در جهاد، در صف اول قرار داشتند.

اینها توصیف و اغراق نیست. آنان که به حق می‌اندیشیدند و جوار رحمتش را می‌جستند، راه آن را در انجام وظیفه و اطاعت امر خدا می‌دانستند و خداوند آنان را به محبت، احسان و فروتنی در برابر خانواده، دستور داده بود. روحشان لطیف بود، به همان اندازه که در جهاد با دشمن سرسخت و جدی بودند. این از خصوصیات مؤمن و متقدی است. با خودی مهربانی، با دشمن سرسختی. این بعد از زندگی رزمندگان که جلوه‌هایی از لطافت و ظرافت روحی و تعادل رفتاری و عاطفه‌ی جوشان است، کمتر آشکار شده است. ورق می‌زنیم بخشی از این احساس و عاطفه را، به این امید که بیاموزیم و تأمل کنیم در خود، که در این بعد نیز راه شهیدان را باید پاسداشت و پیمود.

مؤسسه فرهنگی هنری قدرولايت